

هشتم آن سات میں سے ہے — نمبر دو

پادشاهی‌های نبوت کتاب مقدس

Jeff Pippenger

2023-09-15

در مقاله پیشین دریافتیم که میلریت‌ها نمی‌توانستند روم را چیزی بیش از روم بت‌پرست و روم پاپی ببینند، هرچند تمایزات میان آن دو قدرت را مطرح می‌کردند. برای میلریت‌ها، تمایزات میان روم بت‌پرست و روم پاپی آنان را به این شناخت رهنمون ساخت که روم پاپی همان پادشاهی پنجم بود که پس از پادشاهی چهارم، یعنی روم بت‌پرست، آمد. پس از نومییدی سال ۱۸۴۴، خواهر وایت سه قدرت مکاشفه ۱۲ و ۱۳ را چنین مشخص کرد: اژدها در باب ۱۲، سپس پاپیت به عنوان آن وحشی که در باب ۱۳ از دریا برآمد، و پس از آن ایالات متحده آمریکا به عنوان آن وحشی که از زمین برآمد. پس از آنکه بنیان نهاده شد، خداوند نور را بر اتحاد سه‌گانه اژدها و وحش و نبی کاذب گشود؛ اتحادی که در باب ۱۶ مکاشفه، جهان را به آرماگدون رهنمون می‌شود.

خط نبوتی که این نمادها در آن یافت می‌شوند، با مکاشفه ۱۲ آغاز می‌شود، با اژدهایی که کوشید مسیح را در هنگام تولدش هلاک کند. درباره اژدها گفته شده است که شیطان است (مکاشفه ۱۲:۹)؛ او بود که هیرودیس را برانگیخت تا نجات‌دهنده را به قتل برساند. اما عامل اصلی شیطان در جنگیدن بر ضد مسیح و قوم او در طی سده‌های نخستین عصر مسیحیت، امپراتوری روم بود که در آن بت‌پرستی دین غالب به‌شمار می‌رفت. بنابراین، هرچند اژدها در درجه نخست نمایانگر شیطان است، در معنایی ثانوی، نمادی از روم مشرک نیز هست.

در باب ۱۳ (آیات ۱-۱۰) وحش دیگری توصیف شده است، «مانند پلنگ»، که اژدها «قدرت خود و تخت خود و اختیاری عظیم» را به او داد. این نماد، چنان‌که بیشتر پروتستان‌ها باور داشته‌اند، نمایانگر پاپیت است که وارث قدرت و تخت و اختیاری شد که زمانی در دست امپراتوری روم باستان بود. درباره این وحش پلنگ‌مانند اعلام شده است: «او را دهانی داده شد که سخنان بزرگ و کفرها می‌گفت.... و دهان خود را به کفرگویی بر ضد خدا گشود تا بر نام او، و خیمه او، و ساکنان آسمان کفر گوید. و به او داده شد که با مقدسان جنگ کند و بر ایشان غالب آید؛ و او را بر همه قبایل و زبان‌ها و امت‌ها قدرت داده شد.» این نبوت، که تقریباً عیناً با توصیف شاخ کوچک در دانیال ۷ یکسان است، بی‌تردید به پاپیت اشاره دارد.

«به او داده شد که چهل و دو ماه دوام آورد.» و نبی می‌گوید: «دیدم یکی از سرهایش چنان بود که گویی تا به مرگ مجروح شده است.» و باز: «آن‌که به اسیری می‌برد، خود به اسیری خواهد رفت؛ آن‌که با شمشیر می‌کشد، باید با شمشیر کشته شود.» این چهل و دو ماه همان «زمان و اوقات و نصف زمان»، یعنی سه سال و نیم، یا ۱۲۶۰ روز مذکور در دانیال ۷ است—زمانی که در طی آن، قدرت پاپی می‌بایست قوم خدا را ستم کند. این دوره، چنان‌که در فصل‌های پیشین بیان شده است، با برتری پاپی در سال ۵۳۸ میلادی آغاز شد و در ۱۷۹۸ پایان یافت. در آن هنگام، پاپ به دست سپاه فرانسه به اسارت برده شد، قدرت پاپی زخم مهلک خود را دریافت کرد، و این پیشگویی به انجام رسید: «آن‌که به اسیری می‌برد، خود به اسیری خواهد رفت.»

«در اینجا نمادی دیگر معرفی می‌شود. نبی می‌گوید: "جانوری دیگر را دیدم که از زمین برمی‌آمد؛ و او را دو شاخ مانند بره بود." آیه ۱۱. هم سیمای این جانور و هم شیوه برآمدنش نشان می‌دهد که ملتی که او نمایندگی می‌کند با ملت‌هایی که در نمادهای پیشین ارائه شده‌اند متفاوت است. پادشاهی‌های بزرگ که بر جهان فرمان رانده‌اند، به نبی دانیال همچون درندگان شکاری نشان

داده شدند، که هنگامی برمی‌خاستند که «چهار باد آسمان بر دریای بزرگ می‌وزیدند و آن را به تلاطم می‌آوردند.» دانیال ۷:۲. در مکاشفه ۱۷، فرشته‌ای توضیح داد که آب‌ها نمایانگر «قوم‌ها و جماعت‌ها و امت‌ها و زبان‌ها» هستند. مکاشفه ۱۷:۱۵. بادها نماد نزاع‌اند. چهار باد آسمان که بر دریای بزرگ در کشاکش‌اند، صحنه‌های هولناک فتح و انقلاب را مجسم می‌سازند که پادشاهی‌ها از طریق آنها به قدرت رسیده‌اند.»

«اما آن وحش دارای شاخ‌هایی همچون برّه دیده شد که «از زمین برمی‌آمد.» بنابراین، ملّتی که بدین‌گونه نمادین شده است، به‌جای آنکه برای پرپایی خود قدرت‌های دیگر را سرنگون سازد، باید در سرزمینی که پیش‌تر اشغال نشده بود پدید آید و به‌تدریج و به‌گونه‌ای مسالمت‌آمیز رشد کند. پس، نمی‌توانست در میان ملّیت‌های متراکم و در حال کشمکش جهانِ قدیم ظهور کند؛ آن دریای متلاطم «قوم‌ها، و جماعت‌ها، و امت‌ها، و زبان‌ها.» باید آن را در قاره غربی جست‌وجو کرد.»

«کدام ملتِ دنیای جدید بود که در سال 1798 در حال برخاستن به قدرت بود، نوید قوت و عظمت می‌داد، و توجه جهان را به خود جلب می‌کرد؟ انطباق این نماد هیچ جای پرسش باقی نمی‌گذارد. یک ملت، و تنها یک ملت، با ویژگی‌های این نبوت مطابقت دارد؛ این نماد به‌روشنی و بی‌تردید به ایالات متحده آمریکا اشاره می‌کند. بارها و بارها، این اندیشه، و تقریباً همان الفاظ دقیق نویسنده مقدس، ناآگاهانه از سوی خطیب و مورخ در توصیف ظهور و رشد این ملت به کار رفته است. آن وحش دیده شد که «از زمین برمی‌آمد؛» و بنا بر گفته مترجمان، واژه‌ای که در اینجا «برمی‌آمد» ترجمه شده است، به‌طور لفظی به معنای «رشد کردن یا همچون گیاهی سر برآوردن» است. و همان‌گونه که دیده‌ایم، آن ملت باید در سرزمینی که پیش از آن اشغال نشده بود، پدید آید. نویسنده‌ای نامدار، در توصیف ظهور ایالات متحده، از «راز سر برآوردن او از خلأ» سخن می‌گوید، و می‌افزاید: «مانند بذری خاموش، به امپراتوری بالیدیم.»—A. Townsend, *The New World* 462 Compared With the Old, page 462 یک نشریه اروپایی در سال 1850 از ایالات متحده به‌عنوان امپراتوری شگفت‌انگیزی یاد کرد که «در حال ظهور» بود و «در میان سکوت زمین، هر روز بر قدرت و غرور خود می‌افزود.»—Nation می‌افزود. «Dublin Nation ادوارد اورت، در خطابه‌ای درباره زائرانی که بنیان‌گذاران این ملت بودند، گفت: «آیا آنان در جست‌وجوی مکانی خلوت بودند، که به سبب گمنامی‌اش بی‌آزار باشد، و به سبب دورافتادگی‌اش امن، جایی که کلیسای کوچک لیدن بتواند از آزادی وجدان برخوردار شود؟ اینک بنگرید به آن سرزمین‌های عظیم که ایشان، در فتحی مسالمت‌آمیز، ... پرچم‌های صلیب را بر فراز آن‌ها به اهتزاز درآورده‌اند!»—delivered at Plymouth, Massachusetts, Dec. 22, 1824, page 11—11 درآورده‌اند!»

«و او دو شاخ مانند برّه داشت.» شاخ‌های برّه‌گون نشانه جوانی، معصومیت و ملایمت‌اند و به‌درستی نمایانگر خصلت ایالات متحده آمریکا هستند، آنگاه که در سال 1798 به نبی همچون «برآمده» عرضه شد. در میان تبعیدیان مسیحی که نخست به آمریکا گریختند و در پی پناهگاهی از ستم سلطنتی و تعصب کاهنانه بودند، بسیاری بر آن شدند که حکومتی بر بنیاد فراخ آزادی مدنی و دینی برپا سازند. آرای ایشان در اعلامیه استقلال جای گرفت، که آن حقیقت عظیم را بیان می‌کند که «همه انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند» و به حق سلب‌ناشدنی «حیات، آزادی و طلب سعادت» موهبت یافته‌اند. و قانون اساسی برای مردم حق خودحکومتی را تضمین می‌کند، بدین‌گونه که نمایندگانی که با رأی عمومی برگزیده می‌شوند، قوانین را وضع و اجرا کنند. آزادی ایمان دینی نیز اعطا شد، به‌گونه‌ای که هر کس مجاز بود خدا را بر وفق حکم وجدان خویش عبادت کند. جمهوری‌خواهی و پروتستانیسم به اصول بنیادین آن ملت بدل شدند. این اصول راز قدرت و کامیابی آن است. ستم‌دیدگان و پایمال‌شدگان در سراسر جهان مسیحیت با علاقه و امید به این سرزمین روی آورده‌اند. میلیون‌ها تن سواحل آن را جسته‌اند، و ایالات متحده آمریکا به جایگاهی در میان نیرومندترین ملت‌های زمین برآمده است.

«لېکن مېښه که ټوخشېغان مۇڭگۈزلۈک ۋە ھېشى ھايۋان «ئەجدېھادەك سۆزلەيتتى. ئۇ ئالدىدىكى بىرىنچى ۋە ھېشى ھايۋاننىڭ بارچە ھوقۇقىنى يۈرگۈزۈپ، يەر يۈزى ۋە ئۇنىڭدا ياشايدىغانلارنى ئۆلۈمچان يارىسى ساقايتىلغان بىرىنچى ۋە ھېشى ھايۋانغا سەجدە قىلىشقا مەجبۇر قىلدۇ؛ ... يەر يۈزىدە تۇرۇشلۇق بولغانلارغا، قىلچىتىن يارىلانغان، ئەمما ھايات قالغان ۋە ھېشى ھايۋانغا بىر سۈرەت ياساش كېرەكلىكىنى ئېيتىدۇ.» ۋە ھېي 11:13-14. The Great Controversy, 438-441

اين بخش نشان مى دهد كه فصل های دوازده و سیزده، اژدها، وحش و نبی کاذب را معرفی می کنند؛ همان سه قدرتی که در مکاشفه شانزده جهان را به سوی هارمجدون رهبری می کنند. هر یک از این سه قدرت فصل های ویژه خود را دارند که همان تاریخ نبوی یکسان را در بر می گیرد. شش آیه آخر دانیال یازده با این عبارت آغاز می شود: «و در زمان آخر»، که همان سال 1798 بود. سپس این شش آیه حرکات نهایی پاپیت را شناسایی می کنند تا آن که در آیه اول دانیال دوازده، میکائیل برمی خیزد و مهلت آزمون بشر بسته می شود و راه را برای هفت بلای آخر می گشاید. در آیه چهل و چهار فصل یازده، پیام ساعت که پاپیت را به خشم می آورد و خون ریزی ای را آغاز می کند که درست پیش از بسته شدن مهلت آزمون رخ می دهد، با عنوان «اخباری از مشرق و از شمال» به تصویر کشیده شده است.

پیام شرق و شمال، پیام هشدار نهایی را نمایندگی می کند، زیرا درست پیش از آن اعلام می شود که میکائیل برمی خیزد. این همان پیام فرشته سوم است که در هنگام ریزش روح القدس اعلام می گردد. دانیال این پیام را به صورت دوگانه به تصویر کشید. پیام «شمال» که پاپیت را به خشم می آورد، پیامی است که «پادشاه شمال» را به عنوان قدرت پاپی معرفی می کند، و پیام «شرق» پیام فرزندان شرق است که همان اسلام است. البته، این موضوع معانی مهم دیگری نیز دارد، اما شرق نماد اسلام است و دجال بدل جعلی پادشاه حقیقی شمال است. پیام فرشته سوم که نسبت به گرفتن نشان پادشاه شمال (نشان وحش) هشدار می دهد، همچنین هشدار می دهد که اسلام در همان نقطه ای ضربه خواهد زد که پیمان گناه برای ایالات متحده لبریز شده باشد، و ایالات متحده در قانون یکشنبه پیمان گناه خود را لبریز می سازد.

مکاشفه تیره کی گیارهویس آیت سے آگے بھی بعینہ اسی نبوی تاریخ کی نشان دہی کرتی ہے، اور یہ بھی 1798 میں وقت آخر ہی سے آغاز کرتی ہے۔

«کدام ملت از دنیای جدید بود که در سال ۱۷۹۸ در حال برخاستن به قدرت بود، نوید قوت و عظمت می داد، و توجه جهان را به خود جلب می کرد؟ انطباق این نماد هیچ جای پرسشی باقی نمی گذارد. یک ملت، و تنها یک ملت، با ویژگی های این نبوت مطابقت دارد؛ این نبوت بی هیچ ابهامی به ایالات متحده آمریکا اشاره می کند.» نبرد عظیم، ۴۴۰.

همان تاریخ نبوی در مکاشفه ۱۱:۱۸-۱۸ مورد بحث قرار گرفته است که در دانیال ۴۰:۴۵ نیز آمده است. همان گونه که در آیات دانیال، داستان نقش ایالات متحده با پایان یافتن زمان آزمایش خاتمه می یابد، هنگامی که ایالات متحده جهان را وادار می سازد نشان وحش را بپذیرد. سپس، همان گونه که در دانیال ۱۱ است، پیام ساعت در باب ۱۴ عرضه می شود. ساختار در هر دو بخش یکسان است، با این استثنا که آیات دانیال فعالیت های پاپی را توصیف می کنند و مکاشفه ۱۳ نقش ایالات متحده را مشخص می سازد. با این دو خط درمی یابیم که باب ۱۷ مکاشفه همان تاریخ را در بر می گیرد، اما بر نقش اژدها تأکید می ورزد که به صورت ده پادشاه نمود یافته اند و همان سازمان ملل متحد هستند. این سه باب، که سطر بر سطر مورد بررسی قرار گرفته اند، نقش اژدها، وحش و نبی کذاب را مشخص می کنند که در باب ۱۶ جهان را به سوی هارمجدون رهبری می کنند؛ از این رو، این نکته دارای اهمیت است که یوحنا به ما اطلاع می دهد هنگامی که باب ۱۷ آغاز می شود، یکی از آن فرشتگانی که هفت بلای آخر را فرو ریخته بود، می آید تا داوری فاحشه روم را به یوحنا اعلام کند.

و یکی از آن ہفت فرشتہ کہ آن ہفت پیالہ را داشتند، آمد و با من سخن گفت و مرا گفت: «بہ اینجا بیا تا داوری آن فاحشہٗ عظیم را کہ بر آبہای بسیار نشستہ است، بہ تو بنمایانم؛ همان کہ پادشاہان زمین با او زنا کردہ اند، و ساکنان زمین از شراب زنا ی او مست شدہ اند.» مکاشفہ 17:1،

2

برای میلریتی ہا سخن از روم بت پرست و روم پاپی بود، اما در پایان، موضوع اتحاد سہ گانہ است۔ همان گونہ کہ او در شناسایی آن سہ قدرت در بابہای دوازده و سیزدہ عمل می کند، زن باب ہفدہ را نیز بہ روشنی پاپیت معرفی می کند۔

مکاشفہ 17 کی "عورت [بابل]" کا بیان یوں کہا گیا ہے کہ وہ "ارغوانی اور قرمزی لباس پہنے ہوئے تھی، اور سونے اور قیمتی پتھروں اور موتیوں سے آراستہ تھی، اور اس کے ہاتھ میں سونے کا ایک پیالہ تھا جو نفرت انگیز چیزوں اور ناپاکی سے بھرا ہوا تھا: ... اور اس کی پیشانی پر ایک نام لکھا ہوا تھا، 'راز، بابل عظیم، کسبیوں کی ماں۔'" نبی کہتا ہے: "میں نے اس عورت کو مقدسوں کے خون سے اور یسوع کے شہیدوں کے خون سے متوالی دیکھا۔" مزید یہ بھی کہا گیا ہے کہ بابل "وہ بڑا شہر ہے، جو زمین کے بادشاہوں پر سلطنت کرتا ہے۔" مکاشفہ 17:4-6، 18۔ "وہ قوت جس نے اتنی صدیوں تک مسیحیتِ عالم کے فرمانرواؤں پر جابرانہ اقتدار قائم رکھا، روم ہے۔" عظیم کشمکش، 382۔

پس، تاریخ نبوی ای کہ در فصل ہفدہم بازنمایی شدہ است، از چہ زمانی آغاز می شود؟

پس مرا در روح بہ بیابان برد؛ و زنی را دیدم کہ بر حیوانی بہ رنگ ارغوانی سرخ نشستہ بود، حیوانی آکندہ از نامہای کفر، و دارای ہفت سر و دہ شاخ۔ و آن زن بہ ارغوان و سرخ ملبس بود، و بہ طلا و سنگہای گران بہا و مروارید آراستہ، و در دست خود جامی زرین داشت، پر از رجاسات و ناپاکی زناکاری خویش۔ و بر پیشانی او نامی نوشتہ شدہ بود: «راز، بابل عظیم، مادر فاحشہ ہا و رجاساتِ زمین۔» و آن زن را دیدم کہ از خون مقدسان و از خون شہدای عیسی مست بود؛ و چون او را دیدم، بہ شگفتی عظیم متحیر شدم۔ مکاشفہ 17:3-6۔

برای آن کہ یوحنا زن را ببیند، بہ گونہ ای نبوی بہ بیابان بردہ می شود؛ بیابانی کہ خود یوحنا پیش تر در باب دوازدهم، آن را در پیوند با دو شاہد، همان ہزار و دویست و شصت سال حاکمیت پاپی معرفی کردہ است۔

اور وہ عورت بیابان میں بھاگ گئی، جہاں اُس کے لیے خدا کی طرف سے ایک جگہ تیار کی گئی تھی، تاکہ وہاں اُسے ایک ہزار دو سو ساٹھ دن تک خوراک دی جائے۔ ... اور اُس عورت کو بڑے عقاب کے دو پر دیے گئے، تاکہ وہ سانپ کے سامنے سے اڑ کر بیابان میں اپنی جگہ پر پہنچ جائے، جہاں ایک زمانہ، اور زمانے، اور آدھا زمانہ تک اُس کی پرورش کی جاتی ہے۔ مکاشفہ 12:6، 14۔

یوحنا بہ گونہ ای نبوی بہ دورہٗ بیابان منتقل شد، اما آیہٗ سہ و آیات پس از آن دقیقاً مشخص می سازد کہ در کجای آن ہزار و دویست و شصت سال یوحنا بدانجا بردہ شد، زیرا آن زن پیشاپیش از خون آزار مست شدہ بود و از پیش «مادر فاحشہ ہا» شدہ بود۔ یوحنا بہ پایان دورہٗ بیابان بردہ شد، زیرا آن زن از پیش از خون آزار نوشیدہ بود و کلیساہای پروتستان از پیش بہ آغوش او باز می گشتند و دختران او می شدند، زیرا او در آن دورہٗ زمانی بہ عنوان «مادر فاحشہ ہا» شناختہ شدہ بود۔ او از پیش دخترانی داشت۔ شہادت یوحنا در باب ہفدہم از ۱۷۹۸ آغاز می شود، همان گونہ کہ همان تاریخ نبوی کہ وحش را در دانیال یازدہ و نبی کاذب را در مکاشفہٗ سیزدہ نمایندگی می کرد، آغاز شدہ بود۔

چنان کہ در مورد دو خط دیگر نیز ہست، ہنگامی کہ فصل ہفدہم بہ پایان می رسد، فصل ہجدهم سپس پیام آن ساعت را مشخص می سازد۔ سہ خطِ نبوتی، یکی برای ہر یک از اجزای اتحادِ سہ گانہ۔ ہمگی بر همان ساختار تاریخی کہ از سال 1798 آغاز می شود و تا پایان مہلتِ آزمایشِ ادامہ می یابد،

ترسیم شده‌اند، و هر سه بر پیام هشدار نهایی تأکید می‌ورزند.

کتاب «جداول حقوق» موضوع باب هفدهم مکاشفه را با تفصیل بسیار بیشتری بررسی می‌کند؛ از این‌رو اکنون به معمایی می‌پردازم که در آن بابی بازنمایی شده است که هشت پادشاهی نبوت کتاب مقدسی را عرضه می‌دارد.

و این است آن ذهنی که حکمت دارد. آن هفت سر، هفت کوه‌اند که زن بر آن‌ها نشسته است. و هفت پادشاه هستند: پنج تن سقوط کرده‌اند، و یکی هست، و دیگری هنوز نیامده است؛ و چون بیاید، باید اندک زمانی بماند. و آن وحش که بود و نیست، خود او هشتمین است، و از آن هفت است، و به هلاکت می‌رود. مکاشفه 17:9-11

دانیال به نبوکدنصر گفت: «تو آن سر زرین هستی.»

اور جہاں کہیں بنی آدم بستے ہیں، وہاں کے صحرائی جانوروں اور آسمان کے پرندوں کو اُس نے تیرے ہاتھ میں دے دیا ہے، اور تجھے ان سب پر حاکم بنایا ہے۔ تو ہی وہ سونے کا سر ہے۔ دانی ایل 2:38

دانیال نیز به نبوکدنصر گفت: «تو، ای پادشاه، پادشاه پادشاهانی.»

تو ای پادشاه، پادشاه پادشاهانی؛ زیرا خدای آسمان‌ها سلطنت و قدرت و قوت و جلال را به تو عطا کرده است. دانیال ۲:۳۷

نبوکدنصر «سر» بود و او پادشاهی بود، و او پادشاه پادشاهان بود، زیرا نماینده نخستین پادشاهی‌هایی بود که در آن تمثال به تصویر کشیده شده‌اند. نبوکدنصر همان پادشاهی بود که به وسیله طلا نمایانده شده است، و پادشاهی‌ها و پادشاهان دیگر به وسیله فلزات دیگر آن تمثال نمایانده می‌شدند؛ اما نبوکدنصر نخستین بود و از این‌رو پادشاه پادشاهان. سطح دیگری نیز هست که اکنون به آن نخواهیم پرداخت، و آن این است که پادشاهی بابل نماینده آن پادشاهی است که می‌کوشد مسیح را، که پادشاه حقیقی پادشاهان است، جعل و بدل‌سازی کند.

در آغاز شهادت اشعیا درباره نبوت‌های دو هزار و پانصد و بیست ساله (هفت زمان لاویان بیست‌وشش)، اشعیا پادشاهان را به عنوان سرها معرفی می‌کند.

زیرا سر آرام دمشق است، و سر دمشق رصین؛ و در مدت شصت و پنج سال، افرایم چنان شکسته خواهد شد که دیگر قومی نباشد. و سر افرایم سامره است، و سر سامره پسر رملیا. اگر ایمان نیاورید، یقیناً استوار نخواهید ماند. اشعیا ۷:۷، ۸

ישעיהו רק מציג את נקודת המוצא לשתי תקופות הזמן של אלפיים וחמש מאות ועשרים שנה כנגד ממלכת שומרון הצפונית וכנגד ממלכת יהודה הדרומית، ובתוך כך הוא כולל שני עדים לכך שעיר הבירה של אומה היא ראשה، ושהמלך הוא ראש עיר הבירה. "ראש" הוא מלך וממלכה. בהתגלות נמשכת אותה שורת نبואה כפי שהיא בדניאל.

لہذا، جب یوحنا کو 1798 میں لے جایا جاتا ہے اور اُس کے سامنے وہ معمّا پیش کیا جاتا ہے جو یہ ظاہر کرتا ہے کہ سات "سر" ہیں، تو وہ یہ شناخت کرتا ہے کہ سات مملکتیں ہیں۔ پھر اُسے بتایا جاتا ہے کہ اُن سروں یا مملکتوں میں سے پانچ گر چکی ہیں۔ 1798 میں بائبل پشین گوئی کی پانچویں مملکت ابھی ابھی گر چکی تھی، کیونکہ اُسے ایک مہلک زخم لگا تھا جو آخرکار بھر دیا جانا تھا۔

یوحنا کہ در تاریخ زمان آخر، در سال ۱۷۹۸ ایستاده است، همچنین به او گفته می‌شود که یکی از سرها «هست». ششمین پادشاهی نبوت کتاب مقدس در ۱۷۹۸ آغاز شد؛ بنابراین، هنگامی که یوحنا به طور نبوی به ۱۷۹۸ منتقل شد، پادشاهی‌ای که در آن هنگام بود، ایالات متحده است، و افزون بر این به او

اعلام شد که پادشاهی هفتم هنوز نسبت به ۱۷۹۸ در آینده بود، زیرا هنوز نیامده بود. پادشاهی هفتمی که هنوز نسبت به ۱۷۹۸ در آینده بود، سازمان ملل متحد است که به وسیله ده پادشاه نمایانده می‌شوند و موضوع مکاشفه هفده است. اما همچنین هشتمی نیز هست که از آن هفت است. روم همواره به عنوان هشتم برمی‌خیزد و از آن هفت است.

درباره محتوای فصل هفدهم سخن بسیار می‌توان گفت، اما ما صرفاً در پی آنیم که هشت پادشاهی نبوت کتاب مقدس را که در فصل هفدهم نمایانده شده‌اند شناسایی کنیم، تا ببینیم فهم میلری از چهار پادشاهی چگونه با هشت پادشاهی مکاشفه هفدهم مطابقت می‌یابد.

مور به په راتلونکې مقالې کې دې ته اشاره وکړو.